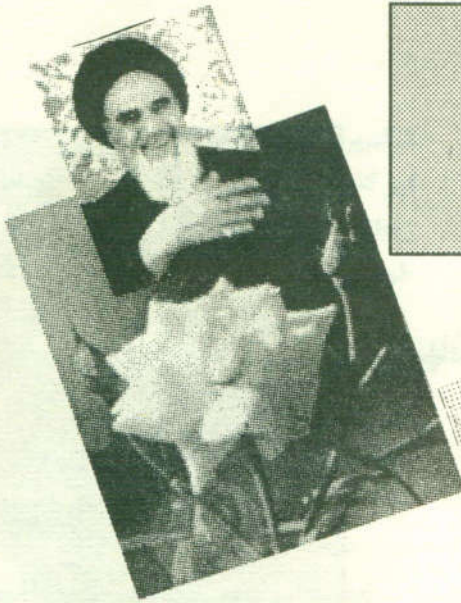


روز ملی

علی صحرائی



ساس و رُتیل این ملت با فرهنگ و متمدن را
گزیده‌اند.

گاه چشمان مردم این دیار را از حدقه
درآورده‌اند تا به قول خودشان زهر چشم
بگیرند و خون آشامانی، لحظاتی در سبعت
و ستمگری غوطه‌خورد و گاه از سرهای
سبز این ملت مناره‌ها ساخته‌اند تا بربران و
زالو صفتان، اندکی در عالم تَوَحُّش سیر
کنند. این دیار سترگ گاه مورد تاخت و تاز
قوم تاتار و مغول از بیرون قرار گرفته است
و گاه در بند و غُل و زنجیر ایل بد فرهنگ
قاجار از درون بوده است.

مغولان بی فرهنگ و بی مایه به ظاهر
متمدن غرب از آن سوی دنیا [آمریکایی‌ها]
نیز سالها سایه شوم خود را بر سر این ملت
رنج کشیده افکندند و چه ستم‌ها که بر آنان
روا نکردند.

این دیار عزیز بیش از دو هزار و پانصد
سال همواره در بند دمنشان زمانه اسیر
بوده و خفاشان خون آشامی همیشه جهت
نیل به اهداف پلید خود خون این ملت

سرزمین دلیر مردان تاریخ - ایران بزرگ
- قرن‌هاست که در پهنه گستره گیتی نام و
نشانی به بلندای اعصار و زمانه دارد و
سال‌هاست که این کشور بزرگ همچون
چراغی پرفروغ در پیشانی سیاره زمین به
اندازه تاریخ تمدن و فرهنگ می‌درخشد و
همواره آبرو و حیثیتی بوده است برای
مجموعه تاریخ و این گره خاکی.

بر پهنه این سرزمین بیش از بیست و
پنج قرن، طاغیان تاخت و تاز نمودند و بر
مردم این کشور عظیم بس ستم‌ها و جورها
تحمیل کرده‌اند که کمتر مکانی این همه ظلم
را به خود دیده است.

گاه هخامنشیان تاخته‌اند، گاه اشکانیان
اشک مردم رنجیده را به خون دلِ مظلوم
آنها گره زده‌اند و گاه ساسانیان همچون



سربلند تاریخ را مکیده‌اند.

برای نجات این ملت مبارزات فراوانی از سوی آزاد مردانِ بزرگی که آزادی، سربلندی و حریت این خاک و ساکنان این دیار را می‌خواسته‌اند، صورت گرفته است. گاه فقیهی بزرگ و قاعدی اعظم با فتوای تاریخ‌اش، با قلم به مبارزه برای نجات ملت از یوغ سلاطین ظلم و اجانب غارتگر پرداخته و ثروت ملی و حق طبیعی و خدادادی این ملت را از حلقوم پلید بیگانه به در کرده است.

گاه عالمی دیگر با سفر به اقصاد نقاط دنیا و رساندن صدای مظلومیت و ستم‌کشی این ملت، ندای یاری و کمکِ ملت در بند را به گوش جهانیان رسانیده است.

گاهی بزرگ مردی از جنوب این دیار زرخیز علیه بیرون راندن اجانب و آزادی وطن و ملت از دست چپاول‌گران زمانه، قیام کرده و در این راه جان باخته است.

و گاهی نیز از شمال این سرزمینِ مردپور، سرداری بزرگ و آزادمردی جاوید، در دوران تاریکی و خفقان و جهل، آغازگر جهادی مسلحانه علیه مثلث ظلم و ستم - که اضلاع این مثلث را طاغیان و وطن‌فروشان و بیگانه‌پرستان داخلی و غارتگران و تاراج‌پیشگان خارجی تشکیل می‌داد - بوده است.

در راه آزادی و استقلال این مملکت چه مردان بزرگی که سرباخته‌اند؛ گاه جلوی دیدگان این مردم، فقیهی نام‌آور و مرجعی بزرگ بر بالای دار رفته صرفاً به این دلیل که برای استقرارِ دین و آزادی وطن حاضر

نشده زیر داری که در بالای آن بیرق کفر نصب بود، بیاساید. و گاه سیدی از اولاد پیغمبرِ دین که حاضر نشد سیاست را جدای از دین و دین را جدای از سیاست بدانند، با دهان روزه زیر تیغ جَلّادان زالو صفت جان به جان آفرین تسلیم کرده است.

و گاه دور از چشم این مردم سرداری بزرگ با همه مشکلات و در اوج خفقان چون حاضر نشد، همچون روشنفکران وطن فروش غرب زده «استقلال این مملکت» را دو دستی به اجانب پیشکش کند، در سیاهچال‌های مخوف رژیم همه عمر را دریند و اسارت می‌گذراند. در ایران این پهن دشت اسلامی ما چه بسیارند از این دست مردان نیک روزگار که این صفحه گنجایش ذکر نام و یاد آنها را ندارد.

این‌ها همه مداخل و مقدمه و سرآغازی شد برای قیامی به حق و انقلابی بزرگ و تاریخی که «مسیر تاریخ را عوض کرد». پیری فرزانه که از دنیای دنی فارغ بوده و دست‌آویز او ماورای این دنیای پست بود،



او مست باده غرور و نخوت بود و غرق در تجهیزات و ادوات و انواع و اقسام سلاح‌های مدرن روز و تحت حمایت سازمان‌های مخوف «سیاه»، «موساد» و... قرار داشت. او به قول خودش «صدای انقلاب مردم» را شنید ولی هرگز آن را باور نکرد.

تصور خام و ناپخته او این بود که قیام حق را می‌شود با زور ناحق سرکوب کرد. چشم بصیرت و بینش حقیقی او «کور مادرزاد» بود و به همین خاطر هرگز او و حامیان آنان حق را ندیده و باور نکردند. قیام حق به رهبری پیر فرزانه در سال ۱۳۴۲ علناً تولد یافت و در طی پانزده سال به رشد و نمو پرداخت و در مسیر پرورش و رشد این قیام گاه‌گاه‌گاهی شاخه‌های زاید و جانبی جوانه می‌زد ولی آن باغبان مجرب و آب دیده ضمن «حرس» از این قیام به «حرس» این زواید و شاخه‌های نابجای جانبی این نهال جوان می‌پرداخت. «نهال قیام حق» به رشد خود ادامه داد و در این مسیر با خون عزیزان زیادی از همین ملت آبیاری شد، تا اینکه در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به ثمر نشست و این روز «روز ملی» شد برای این ملت چون این قیام به حق از اول در کنار و پهلو به پهلو دین حق ملی بود و تا آخر دینی و ملی باقی می‌ماند. از این تاریخ به بعد حفظ حراست و مواظبت شدید از این نهال که اینک به درختی تنومند و سروی آزاد تبدیل شده است، بر عهده همه اقشار ملت گذاشته شد. آن باغبان پیر این سرو آزاد را به نیکی

با تکیه بر تقوا و ایمان و توکل بر قدرت لایزال الهی، آستین همت بالا زد و «عزم ملی» این ملت بزرگ را جزم کرده و به آن‌ها درس خودباوری و اعتماد به نفس داد.

او با گام‌های استوار و عزمی راسخ و پشتوانه قوی مردمی به پاخاست و با مبارزه سرسختانه خود علیه ۲۵ قرن اسیری و دربندی این ملت بزرگ، قیام کرد.

سلطان جور عصر، به هر نوع سلاح و پشتوانه محکم و از پشتیبانی هر اجنبی و زالو صفتی برخوردار بود. سردسته و جلودار اجانب «شیطان بزرگ» قرار داشت که از پشتیبانی و حمایت همه جانبه خود بر پادشاه جائر و ظالم این دیار پاکان، فروگذار نبود.

«ابرهه زمان» فارغ از قدرت لایزال و پشتیبانی محکم ماورایی و الهی این ملت، بر شمشیر و سپر و گرز و فیلان دیده شده «شیطان بزرگ» می‌بالید و خیال می‌کرد با زور «گرز» می‌شود قیام این ملت را سرکوب کرد، غافل از اینکه فرود هر ضربه سرکوبی گرز او تیشه‌ای است بر ریشه بی‌بنیادش.



الو سلام دیدار آشنا

آشنایان، پیام‌های ریز و درشت شما در این ستون منتشر می‌شود. شما می‌توانید پیام‌های خود را با شماره ۱۶۰۹۳۶۰ (۰۲۵۱) با ما در میان بگذارید.

الو سلام:

بله بفرمایید.

علی رضوی از اصفهان زنگ می‌زنم پیامی داشتم می‌خواستم چاپ کنید. آقایان... که این همه دم از انقلابی‌گری می‌زنند و در انتخابات خبرگان هم شرکت نکردند، چرا تا اتفاقی به ضرر جناح خود می‌بیند، چپ و راست اطلاعیه پخش می‌کنند، اما آنجا که مصالح اسلام در کار است، سکوت مرگبار دارند. در خصوص دستگیری و مجازات آقای... قضیه اصفهان، قتل‌های مشکوک... اطلاعیه می‌دهند ولی در خصوص اساعه ادب به رهبری، احیای یاد و نام مطرودین امام توسط... و وحدت و انسجامی که رهبری تأکید دارند سکوت مرگبار دارند!! این همان معنی یک بام دو هوا است.

الو سلام:

بله بفرمایید.

● پیامی داشتم و آن این‌که در میان وزرا یک وزیر محترمی که در تاریخ کم سابقه بود و انحرافی که در وزارت خانه خود مشاهده نمود با صداقت و صراحت تمام به آن اعتراف نمود، و در استعفای خود نیز فرمود که مرا مجبور به استعفا نمودند. به نظر من یکی از سالم‌ترین و صادق‌ترین وزرا وزیر محترم سابق اطلاعات بود، چرا باید ایشان را مجبور به استعفا کنند!!

پرورش داده و به نیکی پاسداری نمود و بارها و بارها آن را از گزند تیغ بُران هیزم‌شکن دهر نجات داد و در انتها آن درخت تنومند آزادی و آزادگی را به دست همان ملتی سپرد که با خون خود آن را آبیاری کرده بودند و خود به صاحبان آن فرمود: «نگذارید این انقلاب به دست ناهلان بیفتد».

اینک حدود یک نسل از به ثمر نشستن این سرو آزاد گذشته است و ما هر روز شاهدیم که تیرهای زهر آگین خصمان دون، از درون و بیرون به صورت و شکل‌های مختلف به سوی این سرو تنومند نشانه می‌رود و برماست که از آن با جان خود دفاع کنیم و آن را همان طوری که آن باغبان دوراندیش و فرزانه به ما تحویل داده است، در کنار شاگرد آن باغبان انقلاب، این انقلاب را صحیح و سالم به نسل بعدی تحویل دهیم تا دیگر شاهد تکرار حوادث تلخ دو هزار و پانصد ساله‌ای که بر این سرزمین رفته است، نباشیم. و همواره شاگرد عزیزش را حامی باشیم و تنها به وصیت آن رهبر عزیز عمل نماییم. چه آنکه او فرمود: «پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به مملکت شما آسیبی نرسد» و برماست که حامی دین و ولایت باشیم.

و بدین سان روز ملی بیست و دوم بهمن بایستی همواره در خاطرات و اذهان زنده و جاوید باقی بماند و همچون ستاره‌ای فروزان برای همه ملت‌های دربند و تحت ستم جائران بدرخشد. ■